



مثل نفس کشیدن

● بهاره جلالوند

● تصویرگر: رضا مکتبی ● عکاس: غلامرضا بهرامی

تا حالا پیش آمده وقتی یک کتاب داستان را در دست می‌گیرید، با خودتان بگویید کاش اسم شما روی جلد کتاب بود؟ چه قدر هیجان‌انگیز است که آدم بتواند یک کتاب بنویسد و بقیه هم آن را بخوانند. اما از کجا باید شروع کرد؟ چون نوشتن کتاب داستان به این سادگی‌ها نیست. گفت‌وگوی ما با «جعفر توزنده جانی»، نویسنده‌ی پر سابقه‌ی داستان‌های کودک و نوجوان، به شما کمک می‌کند تا درباره‌ی نویسندگی بیش‌تر بدانید.



● بچه‌ها برای نوشتن داستان از کجا

شروع کنند؟

اولین قدم در نوشتن داستان، خواندن کتاب است. یک نویسنده، هر قدر بیش‌تر کتاب خوانده‌باشد، کلمات بیش‌تر و جملات بهتری در ذهن دارد. فقط هم نباید کتاب داستان بخواند. خواندن کتاب‌های علمی، تاریخی، روانشناسی و غیره به او کمک می‌کنند و اطلاعات زیادی در اختیار او می‌گذارند تا در داستان‌ها از آن‌ها کمک بگیرد. یک نویسنده با خواندن افسانه‌ها یاد می‌گیرد چگونه از جهان واقعی وارد جهان خیالی شود.

● آیا خواندن انواع کتاب‌ها کافی است؟

خواندن کتاب به تنهایی کافی نیست. همه‌ی نویسنده‌ها برای این‌که بتوانند داستانی را راحت بنویسند، سال‌های زیادی نوشتن را تمرین کرده‌اند. یک نویسنده باید دفتر یادداشتی داشته باشد تا ایده‌هایش را در آن بنویسد. بهترین کار داشتن





همان‌طور که یک انسان بدون نفس کشیدن مداوم زنده نمی‌ماند، نویسنده هم اگر ننویسد، احساس زنده بودن نمی‌کند.

یک دفترچه خاطرات است تا چیزهایی را که در روز می‌بینید و می‌شنود در آن یادداشت کند. این دفترچه به نویسنده کمک می‌کند تا نوشتن را تمرین کند.

● برای نویسنده شدن چه ویژگی‌هایی باید داشت؟

همان‌طور که گفتم یک نویسنده باید به اطراف خود با دقت نگاه کند تا ایده‌های خوبی برای نوشتن بیابد. هم‌چنین او باید گوش‌های شنوایی داشته باشد و از کنار جملاتی که می‌شنود به راحتی نگذرد و درباره‌ی آن‌ها فکر کند. بسیاری از نویسندگان، ایده‌ی داستان‌های خود را با شنیدن حرف‌های مردم پیدا می‌کنند. نویسنده باید در نوشتن نظم داشته باشد؛ مثلاً صبح‌ها وقتی از خواب بیدار می‌شود حتماً بنویسد. گاهی حتی می‌تواند خواب‌هایش را بنویسد. نویسنده باید همیشه در حال نوشتن باشد. نوشتن برای نویسنده مثل نفس کشیدن برای انسان است.

